

گذار از تاریخ نگاری سیاسی

علی قربانپور دشتکی*

چکیده

آنچه که تاکنون در زمینه تاریخ ایران زمین مورد پژوهش قرار گرفته است به طور معمول مبتنی بر ثبت واقع انگارانه رویدادهایی بوده که معطوف به قدرت سیاسی حاکم می‌باشند به صورتی که قدرت سیاسی، در کنار سایر عوامل و رویکردهای نهفته در یک متن تاریخی، وجه هژمونیک پیدا می‌کند و باعث می‌شود دیگر جنبه‌ها و امکانات یک متن تاریخی را در محاق فرو برد و آنچه را که صرفاً در مغناطیس قدرت سیاسی قرار می‌گیرد توصیف نماید. نگارنده این پژوهش تلاش می‌کند که با ارائه یک راهکار روش شناسانه، زمینه‌ای را برای گذار از تاریخ نگاری سیاسی ایجاد نماید. با این پیش فرض که تاریخ ایران را یک متن گشوده در نظر می‌گیرد که جنبه‌ها و امکانات بالقوه‌ای را در دل خود جای دارد از جمله تاریخ علاوه بر اینکه یک متن سیاسی است، یک متن «فرهنگی» هم می‌باشد و «تاریخ نگاری فرهنگی» امکانی خارج از متن سیاسی است که می‌توان با پژوهش در یک افق بین الاذهانی برآمده از لایه‌های پنهان و سیال متن تاریخی، این امکان را فرا چنگ آورد. نگارنده تلاش می‌کند تا پس از نقد روش شناسانه تاریخ نگاری سیاسی، روش تاریخ نگاری فرهنگی را به شیوه پدیدار شناسی هوسرلی توصیف و تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: تاریخ نگاری سیاسی و فرهنگی، پدیدار شناسی، بینا ذهنیت، معنا، روش شناسی.

* . دانشجوی دکترای اندیشه‌های سیاسی دانشگاه تهران ghorbanpur@yahoo.com